

## کاوشی در مبنای معرفت‌شناسی<sup>۶۶</sup> تیلوریسم<sup>۶۷</sup> و پیامدهای آن در مدیریت آموزشی<sup>۶۸</sup>

دکتر محمد رضا سرمدی\*      دکتر محمد جعفر پاک‌سرشت\*\*

دکتر یداله مهرعلی‌زاده\*\*\*

### چکیده

برای فهم صحیح مدیریت علمی (آموزشی) باید آن را به‌عنوان یک فلسفه مورد توجه قرار داد، به دلیل اهمیتی که مدیریت آموزشی در فرایند آموزش و پرورش دارد مقاله حاضر با نگاهی نو به آن نگریسته و به بررسی ریشه شناخت‌شناسی (معرفت‌شناسی) آن، متأثر از اولین نظریه مدون مدیریت، یعنی تیلوریسم پرداخته است. روش پژوهش مقاله، به دلیل ماهیت موضوع آن، سندی - تحلیلی بوده و نیازی به فرضیه‌سازی احساس نشده است. بر مبنای یافته‌های پژوهش، مدیریت آموزشی مبتنی بر تیلوریسم، به نوعی بر دیدگاه پوزیتیویستی در علم مبتنی است و مهمترین هدفش در سازمان آموزش و پرورش، انتقال معرفت واقعی برای دنیای واقعی است. بر این اساس، معرفت با حس و تجربه شروع می‌شود و دانش از علائق انسانی منفک است، کشف تجربی مهمترین راه کسب معرفت علمی است، لذا هر عملی در سازمان باید پشتوانه علمی داشته باشد. کارکرد اصلی علم تبیین پدیده‌ها و قدرت پیش‌بینی امور است و به همین دلیل باید دانش نظری را در عمل به خدمت گرفت و با نگاه افزایش دانش و آگاهی افراد سازمان در جهت افزایش کارایی، به آن نگریست.

**واژه های کلیدی:** تیلوریسم، مدیریت، معرفت‌شناسی، دانش، نظریه (تئوری)<sup>۶۹</sup>، فلسفه<sup>۷۰</sup>، مدیریت

<sup>66</sup> - Epistemology

<sup>67</sup> - Taylorism

<sup>68</sup> - Educational administration

<sup>69</sup> - Theory

<sup>70</sup> - Philosophy

\* نویسنده مسئول - استادیار دانشگاه پیام‌نور

\*\* استاد دانشگاه شهید چمران اهواز

\*\*\* دانشیار دانشگاه شهید چمران اهواز

اگرچه علوم مختلف به ترتیب تاریخی (نخست فلسفه و علوم تجربی و سپس سایر علوم از جمله علوم اجتماعی)، حیطة خود را به مرور از فلسفه جدا کردند و این امر در زمینه تعیین حدود، مشخص و دقیق شدن اهداف و ابداع و اتخاذ روشهای علمی مناسب حین تبیین، پیش بینی و کنترل پدیده‌ها موجبات موفقیت‌های چشمگیری را در این علوم فراهم آورد، لیکن بر اثر تحولات عظیمی که طی قرن بیستم در دانش‌های بشری روی داد این علوم ناگزیر شدند مبادی و ریشه‌های خود را مجدداً تبیین و شناسایی نمایند. یکی از این علوم مدیریت است، به همان دلیلی که در علوم تربیتی، حقوق و سایر علوم نیاز است که به مسائل بنیادی هستی‌شناختی، ارزش‌شناختی و معرفت‌شناختی توجه شود، مدیریت هم دارای چنین نیازی است. اگر به پیشینه علم مدیریت نظری بیفکنیم درمی‌یابیم که این رشته علمی در ابتدا با سایر علوم و مخصوصاً فلسفه و حکمت عملی آمیخته بوده است. به تدریج که جوامع بشری پیشرفت کردند، علم مدیریت به شکل امروزی آن ظهور کرد و تکامل یافت. با عنایت به تنوع و کثرت تئوریهای مدیریت، مقاله حاضر نظریه تیلوریسم را انتخاب و از حیث مبنای معرفت‌شناختی، آن را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده و سپس پیامدهای آن را در مدیریت آموزشی به نقد می‌کشد.

با توسعه و پیچیده‌تر شدن موضوع آموزش و پرورش، ضرورت و اهمیت سازماندهی و مدیریت فعالیتهای آموزش و پرورش در همه کشورها آشکار شده است. رشته مدیریت آموزشی به معنای اخص کلمه، به مطالعه و بررسی سازمانهای آموزشی پرداخته و کار بستن تفکر عقلانی یا اندیشه معقول در فعالیت سازمان یافته را شامل می‌شود. لذا چون هدف مدیریت آموزشی کمک به بهبود جریان تعلیم و تربیت است، این رشته به‌عنوان یک فرایند پویا و به‌عنوان یک علم میان‌رشته‌ای و جوان از روانشناسی، جامعه‌شناسی، اقتصاد و فلسفه برای ساختن پایه‌های نظری خویش کمک گرفته است. با عنایت به ارتباط و نزدیکی که بین بحث‌های نظری و مبانی فلسفی از یک سو و تعاریف کاربردی و عملیاتی از سوی دیگر

وجود دارد، ضروری است که تعاریف فلسفی در تعاریف کاربردی جاری شود. چون هریک از این تعاریف به یک دسته مفروضات خاص می‌گردند تا مفهومی به نام مبنا مشخص گردد و در صورت ایضاح این مبناهاست که خاستگاههای فلسفی و بنیادین نظریه‌های مختلف از جمله مدیریت آموزشی روشن می‌گردد.

به اعتقاد متقدمین علم مدیریت، برای فهم صحیح مدیریت علمی، باید آن را به صورت یک جریان حل مشکلات و به عنوان یک فلسفه مورد توجه قرار داد و نباید آن را با آثار و تکنیک‌های ناشی از آن مثل مطالعه زمان و حرکت، نحوه جریان کار و ... اشتباه کرد (کیا، ۱۳۸۰). توضیح شرایط خاص مدیریت آموزشی در این زمینه، ضرورت و اهمیت پژوهش حاضر را روشن می‌سازد. این رشته اولاً با مدیریت سازمانهایی سروکار دارد که مسئولیت آنها آموزش و پرورش، دانش‌آموزان و به طور کلی انسانهاست. از طرف دیگر در مدیریت آموزشی همانند سایر رشته‌های علوم انسانی، دیدگاهها و نظریات مختلفی درباره موضوعات واحد مطرح است و مشخص شدن زیربناهای فلسفی هریک از این نظریه‌ها، آنها را شاخص‌تر خواهد کرد. علم مدیریت آموزشی، رشته‌ای تخصصی است که در پی توسعه نظام‌های نوین آموزش و پرورش در جهان و اهمیت دادن به آنها پدید آمده است و چون هدف مدیریت آموزشی کمک به بهبود جریان تعلیم و تربیت است، این رشته به عنوان یک فرابند پویا و به عنوان یک علم میان‌رشته‌ای و جوان از روانشناسی، جامعه‌شناسی، اقتصاد، ... و فلسفه برای ساختن پایه‌های نظری خویش کمک گرفته است. مقاله حاضر به بررسی و تحلیل مبنای معرفت‌شناختی نظریه «تیلوریسم» در مدیریت آموزشی پرداخته و به دنبال بررسی این مورد است که نظریه مورد بحث در مدیریت آموزش و پرورش موجود، چه نشانه‌هایی از فلسفه در مبنای معرفت‌شناختی خود دارد. از آنجا که پرداختن به همه مبانی فلسفی شامل هستی‌شناسی، ارزش‌شناسی و انسان‌شناسی در کنار مبنای معرفت‌شناسی، خود پژوهش گسترده‌ای را می‌طلبد از طرفی و با عنایت به اهمیت دانش و معرفت و نقش کلیدی آن در مدیریت آموزش و پرورش از طرف دیگر، پژوهشگران بر آن شدند که مبنای شناخت‌شناسی این نظریه در مدیریت آموزشی را مورد بحث و تجزیه و تحلیل قرار دهند. با توجه به تنوع و کثرت نظریه‌های مدیریتی، از بین آنها نظریه تیلوریسم به عنوان خاستگاه و نقطه آغازین

مدیریت علمی که کلاً مبانی اساسی نظریه‌پردازی راجع به سازمان و مدیریت را تشکیل می‌دهد، انتخاب گردیده است. زیرا اولاً: تیئوریسم اولین نظریه مدون در نظریه‌پردازی علمی مدیریت است.

ثانیاً: این نظریه در زمان خود تأثیر شایان توجهی بر مدیریت آموزشی زمان خود گذارده است (علاقه‌بند، ۱۳۸۰).

ثالثاً: باتوجه به تأکیدی که این نظریه نسبت به سازمان دارد اصولی را ارائه داده که در مبانی معرفت‌شناختی آن نیز نمایان است.

#### **هدف کلی، اهداف ویژه و سؤال پژوهش:**

۱- هدف کلی، این پژوهش شامل بررسی مبانی معرفت‌شناختی نظریه تیئوریسم و پیامدهای آن در مدیریت آموزش و پرورش است.

۲- اهداف ویژه محقق حاضر به شرح زیر طبقه‌بندی شده‌اند:

الف) تحلیل دیدگاه معرفت‌شناختی تیئوریسم،

ب) تبیین پیامدهای معرفت‌شناختی تیئوریسم در مدیریت آموزشی،

باتوجه به هدف کلی و اهداف ویژه پژوهش، سوالات اصلی پژوهش به شرح زیر تعیین گردیده‌اند:

۱- نظریه تیئوریسم از کدام پیش فرض‌ها و مبانی معرفت‌شناختی برخوردار است؟

۲- بکارگیری این نظریه در مدیریت آموزشی چه پیامدهایی در بر داشته است؟

#### **روش تحقیق**

برخی از موضوعات مورد نظر برای پژوهش به‌ویژه آنهایی که کیفی هستند را، به دلیل ماهیت موضوع، نحوه گردآوری داده‌ها، شرایط متغیرهای مورد مطالعه، نمی‌توان با روش‌های معمول تحقیق آزمایشی، همبستگی، پیمایشی و رویدادی مورد بررسی قرار داد، در نتیجه گردآوری داده‌ها طلب می‌کند که روش‌های مناسب برای آنها تعیین گردد. در این تحقیق،

پژوهشگران باتوجه به ماهیت موضوع، قصد خود را فقط با طرح سؤالات پژوهشی بیان می‌کنند و بیان اهداف تحقیق را در کنار سؤالات کافی دانسته‌اند، بر این بیان، پژوهش حاضر از آنجایی که به دنبال پاسخ «چيست» و «چه بود» است، تحقیقی سندی به حساب می‌آید و به دلیل نقد منابع مورد بررسی که به تحلیل نیازمند است، یک تحقیق تحلیلی محسوب می‌شود. روش سندی - تحلیلی در پژوهش حاضر کمک می‌کند تا با تحلیل داده‌های مربوط به نظریه مدیریتی تیلوریسم در مدیریت آموزشی زمان حاضر، درک بیشتری نسبت به ویژگیهای آن از حیث «معرفت‌شناسی» به دست آید.

### تیلوریسم: مدیریت علمی

فردریک وینسلو تیلور در سال ۱۸۵۶ در فیلادلفیا دیده به جهان گشود. او پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی و متوسطه تصمیم گرفت در رشته حقوق به تحصیل بپردازد، ولی به علت ضعف شدید بینایی از این کار منصرف شد. در سن ۱۸ سالگی در کارگاه فنی کوچکی در رشته طراحی و ساخت ماشین بکار پرداخت. او در ابتدا به عنوان یک کارآموز ساده در شرکت فولاد «میدویل»<sup>۷۱</sup> کارش را پی گرفت. به زودی توانست همزمان با کار به تحصیل بپردازد و به سمت سرپرستی و سرمهندسی ارتقا یابد. فعالیت تیلور در شرکت فولاد مبنایی شد برای تألیف کتابی که وی آن را «اصول مدیریت علمی»<sup>۷۲</sup> نامید. این کتاب دکتترین تیلور را در سراسر جهان معرفی کرد، به دلیل دلمشغولی‌هایی که نسبت به محیط کار خود داشت روی به نظریه پردازی آورد و بنیانگذار اولین نظریه مدون علمی درخصوص مدیریت به نام «تیلوریسم» شد.

تیلور رفتار انسان را بر اساس میزان پاداش و تقدیر مورد تفسیر قرار داد. به اعتقاد او مدیریت اساساً از یک سری اصول فراگیر و فلسفه معین تشکیل شده است که می‌تواند در بسیاری از زمینه‌ها مورد استفاده قرار گیرد. تیلور ضمن اینکه به برنامه‌ریزی در سازمان اهمیت زیادی می‌داد، اصولی را تحت عنوان اصول مهندسی انسانی تدوین کرد و مطالعه

<sup>71</sup>- Midval

<sup>72</sup>- Scientific Management

علمی زمان، حرکت و عمل را مورد بررسی قرار داد. از نظر او هدف اصلی مدیریت در سازمان بیشینه‌سازی تولید و افزایش کارایی سازمانی است. تیلور با ارائه نظام تئوریک خود، مدیران را وادار می‌نمود، تا همه دانش سنتی را که در گذشته در اختیار کارگران بوده است، گرد آورند و به طبقه‌بندی آن پردازند و دستورالعمل‌های جدید تدوین نمایند. شاید نمایان‌ترین هنر تیلوریسم، اندیشه کار است (طوسی، ۱۳۷۵).

### مبنای معرفت‌شناختی تیلوریسم

مقدمه کتاب مدیریت علمی تیلور با بحث درباره روش علمی کار در سازمان شروع می‌شود. او می‌گوید: «من قصد دارم نشان دهم که اصول بنیادی تیلوریسم برای همه فعالیت‌های انسانی قابل استفاده است. ما باید همیشه به دنبال بهترین روش انجام کار باشیم» (تیلور، ۱۹۱۱: ۵). علم و معرفت در دیدگاه تیلوری جایگاه مهمی را به خود اختصاص می‌دهد، «تیلوریسم» یک نوع ترکیب عناصری است که در گذشته به شکل کنونی وجود نداشته‌اند، در تبیین معرفت‌شناسی این نظریه، دانش گذشته و کهنه جمع‌آوری می‌شود، موشکافی می‌شود، طبقه‌بندی می‌شود و به صورت قانون‌ها و دستوراتی که حالا دیگر علمی تلقی می‌شوند، دسته‌بندی می‌شود (تیلور، ۱۹۱۱).

به دلیل آنکه تیلور معتقد است تولید علم وظیفه افراد خاصی است، مبنای معرفت‌شناختی تیلوریسم در این قسمت با مبنای انسان‌شناختی او هماهنگ می‌شود. او معتقد است بعضی از کارگران ولی نه خیلی زیاد، از لحاظ استعداد و توانایی فکری می‌توانند در پیشرفت علوم مؤثر واقع شوند، اما در علم و چگونگی تکوین آن نمی‌توانند موفق باشند، لذا تولید علم وظیفه عده‌ای خاص است و پیاده کردن در سطح عملیاتی، وظیفه عده‌ای دیگر. دانش کارگران از دیدگاه تیلوریسم می‌تواند مشکل‌ساز باشد، به این دلیل که اگر آنها برای اداره کردن، خودشان را هم سطح کارفرمایان ببینند، علاقه‌شان را به تصمیم‌هایی که برایشان گرفته می‌شود، از دست می‌دهند (نلسون، ۲۰۰۴). به این ترتیب او نگاهی نو به علم و دانش دارد و به دنبال فراهم آوردن یک معرفت حقیقی است به گونه‌ای که به اصول

شفاف و معین علمی، به‌عنوان یک اصل توجه داشته باشد، لذا دانش سلسله‌مراتبی در نظریه تیلوریسم با توجه به ساختار سازمانی به دانش عینی تبدیل می‌شود. با توجه به این اصل، افراد سطوح بالای سازمانی تنها کسانی هستند که صلاحیت آموزش و انتقال دانش و معرفت را دارند، آنها عهده‌دار انجام این وظیفه می‌شوند، ولی نتایج این فرایند تحقق یافته که می‌تواند به‌صورت آموزش‌های رسمی و غیررسمی باشد، به‌صورت عملیاتی در قاعدهٔ هرم سازمانی متبلور می‌شود. از دید تیلور، از بین سطوح مختلف ساختار سازمانی در سطح عملیاتی است که تبلور عینی دانش منتقل شده از سطوح بالای سازمانی و تبدیل آن به دانش عملی و تجربی را، می‌توان مشاهده کرد.

از منظر دیگر، بر اساس این نظریه، ساخت و روابط رسمی در سازمان است که کارایی و اثربخشی را در سازمان موجب می‌شود. لذا ساخت و اختیارات رسمی و کنترل باید صرفاً در قالب اهداف سازمانی و نه رفتار کارکنان مطرح شود. بنابراین سازمان غیررسمی و روابط مبتنی بر آن مورد غفلت واقع می‌شوند (میرسپاسی، ۱۳۸۱).

### تولید علم از دید تیلور

عده‌ای از صاحب‌نظران مدیریت معتقد هستند اگر تیلور نبود نمی‌توانستیم موج دوم یعنی موج صنعتی را پایه‌گذاری کنیم، تیلور به دنبال شکوفائی اصطلاحاتی مثل «کار» «دانش» «مهندسی» «علم» و مشابه آنها در سازمان بود. او در رابطه با کار و فعالیت ابتدا مسأله دانش کار "work knowledge" را مطرح می‌کند و معتقد است که دانش و معرفت کار باید کشف شود و این کشف هم از طریق تجربه و آزمایش مستقیم حاصل می‌شود (زاهدی و همکاران، ۱۳۸۰: ۳).

تیلور روند تولید علم را از پایین به بالا نمی‌داند و به همین دلیل معتقد است برای تولید آن نباید به اجزاء کوچک سازمان توجه کرد، دانش باید از بالا به پایین تولید شود. در این راستا در نظریه «تیلوریسم» در رابطه با جایگاه دانش و معرفت دو عنصر اساسی خودنمایی می‌کنند:

الف) کشف تجربی بهترین راه انجام دادن هر کار  
ب) تقسیم کار بین کارکنان و مدیران به نحوی که مسئولیت طرح‌ریزی، تهیه ابزارهای لازم، صدور دستورات و ایجاد تسهیلات کافی بر عهده مدیران باشد» (اقتداری، ۱۳۷۳: ۱۳).  
باتوجه به آنکه هدف مهم تیلور، افزایش قدرت تولیدی سازمان، علی‌الخصوص در سطح کارگاه‌هاست، در مبحث دانش و معرفت، تیلور برای رسیدن به این هدف، از راه‌های تجربی و آزمایشی تبعیت می‌کند. برخی از صاحب‌نظران، در تجزیه و تحلیل آنچه تحت عنوان مفهوم معرفت در تیلوریسم بحث می‌شود، به تیلور انتقاد می‌کنند، از جمله فریدمن بیان می‌کند: «نگرش تیلوری دارای تعصب فنی‌گرایانه است. یعنی نادیده‌گرفتن محدودیت‌ها و محدود بودن طریقه‌وی در رویارویی با مسائل و کوششی که او در حل مسائل اعمال می‌کرد، درحالی که حل مسائل فوق، استفاده از قالب ذهنی جامع‌تری را ایجاد می‌نمود. اگر فنی‌گرایی بر یک توسعه غلط و ناروای تکنولوژی در زمینه‌های تحقیقی نامناسب دلالت دارد، معرفت‌شناسی نیز در طریق مشابه، تا جایی که به قضاوت درباره ارزشها و اعتبار آنها مربوط است، به یک فوق‌تصور از امکانات دانش اشاره دارد» (پاریزی، ۱۳۷۱: ۲۵).  
توناکو و تاکوچی (۱۹۹۵) در کتاب معروف خود تحت عنوان «سازمان دانش‌زا» مدعی شده‌اند که بسیاری از مدیران، معنای دانش و الگوهای خلق و بکارگیری آن را بد فهمیده‌اند، به‌عنوان مثال فردریک تیلور به سازمان به‌عنوان ماشینی برای پردازش اطلاعات نگاه می‌کرد. و تنها دانش مفید از نظر او، دانش رسمی و سیستماتیک بود که به‌عنوان منابع معرفت و شناخت محسوب می‌شود داده‌ها، رویه‌های سازمانی و ... زیرا این نوع دانش قابل پردازش، انتقال و ذخیره‌شدن است (توناکو و تاکوچی، ۱۹۹۵).

### تیلور و پوزیتیویسم<sup>۷۳</sup>

تیلوریسم، اصول علمی را مستقل از زمان و مکان و شرایط در نظر می‌گیرد و معتقد است که دانشمندان پدیده‌های معینی را در جهان به‌صورت عینی و بی‌طرفانه مورد مشاهده



قرار می‌دهند. به این ترتیب کشف علمی، دربرگیرنده فرایندهای اجتماعی یا سیاسی که از آن منبعث شده نمی‌باشد، به همین دلیل تیلور به سلسله مراتب دانش در سازمان اعتقاد دارد. سلسله مراتب در سازمان از بُعد معرفت‌شناختی، افراد را وادار می‌کند تا ببینند کارکنان چگونه دانش عینی را که به آنها انتقال داده شده، جذب کرده‌اند آنها باید بیاموزانند و بدون هرگونه تغییری هم آن را بیاموزند. در یک نتیجه‌گیری ابتدایی می‌توان دیدگاه تیلوریسم از منظر معرفت‌شناسی را مبتنی بر دیدگاه پوزیتیویستی در علم دانست. از نظر این مکتب، تنها امور حقیقی و قابل اثبات، یعنی پدیده‌های مشهود و محسوس و مورد اتفاق عموم است که قابل شناخت محسوب می‌شود و طریق رسیدن به این شناخت نیز، تجربه و مشاهده است نه استدلال‌های فلسفی.

تیلور با تاسی به نگرش پوزیتیویستی در کسب معرفت به دنبال شیوه استقرایی است و سطح عملیاتی سازمان را به همین دلیل مهم تر از بقیه سطوح می‌داند. در این راستا علم از انباشتن و رده‌بندی کردن مشاهدات، سپس یک کاسه کردن آنها و تعمیم از موارد جزئی به حکم کلی ایجاد می‌شود (الوانی، ۱۳۸۵: ۲۳۱).

پوزیتیویسم نقطه اتکاء خود را بر ادراک حسّی قرار داده است که به عقیده برخی از اندیشه‌ورزان در بین انواع معرفت لرزان‌ترین آنهاست و بیش از هر شناختی در معرض خطاست. پوزیتیویست‌ها تجربه را منحصر به تجربه حسّی می‌کنند و به تجارب درونی که از نوع علوم حضوری هستند، وقعی نمی‌نهند یا دست‌کم آنها را اموری غیرعلمی تلقی می‌کنند. به نظر ایشان واژه «علمی» تنها شایسته اموری است که قابل اثبات حسّی برای دیگران باشد. به این ترتیب افرادی که گرایش پوزیتیویستی دارند بحث از غرایز و دیگر امور روانی را که با تجربه درونی می‌توان یافت، بحث‌های غیرعلمی می‌پندارند.

آنچه مشهود است اعتقاد تیلور به روش علمی و اقتباس و اعمال آن در مدیریت است، به این معنا، تیلور علم‌باور و علم‌مذهب است و راه حلی را بر اثر شعور متعارف نمی‌پذیرد، مگر آنکه کارایی آن در عمل به اثبات رسیده باشد. به همین سبب مفهومی مثل سعادت که در بادی امر مفهومی غیرتجربی و غیرعملیاتی است، باید به مدد مفاهیم دیگری که قابل

رویت و مشاهده و اندازه‌گیری و ارزیابی باشند، کمی و عملیاتی شود، به همین جهت در اندیشه‌ورزی تیلوری مفهوم سعادت به مفهوم رفاه تبدیل می‌شود. مفهوم رفاه نیز خود به اجزاء دیگری تبدیل می‌شود که جملگی کمی و بنابراین تجزیه‌پذیر و عملیاتی هستند. به همین دلیل تیلور که خود به نوعی پوزیتیویست به نظر می‌رسد، با پذیرش این نکته در حوزه اندیشه اجتماعی و مدیریتی خود، مفاهیم اجتماعی مثل عفو و ایثار را از نظریه‌پردازی خویش خارج می‌کند، مگر آنکه بتوان آنها را به کمیات پیمایش‌پذیر یا عملیاتی و تجربی تبدیل کرد. (زبیا کلام، ۱۳۸۱) به این ترتیب تیلور در معرفت به آنچه محصول تحقیق تجربی است بها می‌دهد و در سازمان بر آن است که از معرفتی استفاده کند که کارایی بالایی داشته باشد.

سرتو (۱۹۹۴) درخصوص دیدگاه تیلور درخصوص مدیریت علمی اظهار می‌دارد: «تیلور به دنبال اصول جهانشمول درباره مدیریت بود، او می‌خواست براساس فرضیات خود عنصر اولیه انگیزش نیروی کار در تمامی سازمانها را نشان دهد که او آن را عنصر مالی و مادی نامگذاری می‌کند» (سرتو، ۱۹۹۴: ۳۵) معرفت‌شناسی تیلوری با ملاحظات خاص در مورد کارایی تولید و همچنین محدودیت توانایی جسمانی افراد عجین شده است که نهایتاً به دنبال بالا بردن اثربخشی سازمانها با افزایش سطح تولید است. به این ترتیب معرفت‌شناسی تیلوری را می‌توان متأثر از دیدگاه «مونیستی» او دانست که وجود رفتارهای انسانی را به دلیل یک عامل (عامل اقتصادی) می‌داند و به عوامل دیگر در شکل‌گیری رفتار سازمانی توجه چندانی ندارد.

### **تأثیرپذیری مدیریت آموزشی از معرفت‌شناسی تیلوریسم**

نهضت تیلوریسم و اصولی که تبلیغ می‌کرد در اوایل قرن بیستم، علاوه بر مؤسسات صنعتی و کارخانجات در نظام‌های آموزشی ایالات متحده امریکا نیز مؤثر واقع شد. در دوره‌ای از تاریخ مدیریت آموزشی که به نام عصر پرستش‌کارایی معروف است، هواداران این نظریه در مدیریت آموزش و پرورش به کاربرد اصول آن همت گماشتند آنها مدارس را مشابه کارخانه‌ها تلقی کردند که در آنها نظام‌های آموزشی باید برای تحقق این اهداف، کارکنان واجد صلاحیت، ابزارها و روشهای فنی ویژه مورد نیاز را با معیارها و استانداردهای

از پیش تعیین شده، فراهم سازند (علاقه‌بند، ۱۳۸۰). نهضت تیلوریسم با توجه به آنچه که در مبنای معرفت‌شناسی این نظریه ذکر آن گذشت، تأکید بر موارد زیر دارد:

۱. **معرفت با حس و تجربه شروع می‌شود** و مبتنی بر احساس و به‌خاطر سپردن است، مهمترین اهمیت این نوع معرفت، تأثیر آن در تدبیر زیست و زندگی انسانهاست و حفظ حیات انسان در گرو آن است. کارکرد اساسی این نوع معرفت، فایده و نفع عملی آن است. به این ترتیب روش شناخت‌شناسی، تنها مبتنی بر تحقیق علمی است و برای همهٔ زمینه‌های پژوهشی، یک روش علمی واحد وجود دارد، لذا روش شناخت پدیده‌های طبیعی با روش شناخت پدیده‌های اجتماعی فرقی ندارد چون دانش فی‌نفسه ماهیتی بی‌طرفانه دارد. علم، مشاهده و ارزشیابی منظم است و پایه معرفت، مشاهدات و محسوسات است. پس در مدیریت آموزشی تأکید بر علوم تجربی مترادف معرفت، باید مورد تأکید قرار گرفته و تأکید مدیران بر کسب مهارت در حیطه شناختی اهمیت یابد. در این دیدگاه، هدف اصلی آموزش و پرورش و در نتیجه هدف اصلی کارکرد مدیریتی آن، انتقال معرفت واقعی برای دنیای واقعی است و دانش‌آموز باید کشف تجربی را به‌عنوان مهمترین راه کسب معرفت علمی تلقی کند.

۲. **دانش از علائق انسانی منفک است**، جهان تنها پدیدهٔ ملموس و مسلم در عرصه تجربی است. تیلور هیچ‌گونه تمایزی بین ذات و عرض قائل نیست، لذا بین امر واقع و ارزش، تمایز مطلقی برقرار می‌کند که همین امر، دانش را در دیدگاه او از علایق انسانی جدا می‌کند. در واقع تیلور به شیوهٔ پوزیتیویست‌ها، بین واقعیت و ارزش و به اصطلاح بین Fact و Value فرق می‌گذارد. مدیریت آموزشی مبتنی بر تیلوریسم، فعالیت مدیران، معلمین و شاگردان را در معرض حاکمیت علم و دانش قرار می‌دهد. به عبارت دیگر هم فعالیت مدیران و هم سایر اعضای سازمان آموزشی باید عقلایی گردد، زیرا معرفت علمی برای کارکنان مؤسسه آموزشی باعث امنیت کاری و شغلی می‌گردد. مدیریت علمی متمرکز بر

روابط بین نیروی انسانی و ماشین است لذا مدیریت آموزشی باید رویکرد کارایی را در ارتباط

با شغل‌هایی که از نظر زمان، نیروی انسانی و دیگر منابع تولید مرتبط هستند ایجاد کند (ماتسون و ایوانویچ، ۱۹۸۹: ۵۰).

۳. کشف تجربی مهمترین راه کسب معرفت علمی است، مدیران آموزشی معتقد به مکتب تیلوریسم، از گام‌های روش علمی تبعیت می‌کنند یعنی به مطالعه وضعیت موجود می‌پردازند، مسائل عمده سازمان را ملاحظه می‌کنند و راه‌های ممکن برای حل مسائل و شقوق مختلف آن را می‌یابند و مناسب‌ترین راه حلی که بتواند وضع موجود را به وضع مطلوب برساند، انتخاب می‌کنند. مشخص ساختن وظایف روزانه در اجرای راه حل انتخاب شده و ارزشیابی بر معیار هدف نیز سرلوحه فعالیت‌های مدیران آموزشی قرار می‌گیرد. لذا این دیدگاه تیلور که جایگزینی اصول علمی به جای محاسبات سرانگشتی و همچنین تلاش به منظور ارتقاء سطح علمی کارکنان به منزله اهداف سازمانی را بسیار اهمیت می‌داد، بیش از پیش روشن می‌گردد (رضائیان، ۱۳۸۴).

۴. معرفت، حاصل تعمیم موارد جزئی به انگاره‌های کلی است، بر پایه همسانی‌های مکرر در آزمون‌های متعدد و شمارش ساده آنهاست که به‌طور مستقیم انسان به قوانین کلی رهنمون می‌شود، به عبارت دیگر علم شامل آراء، نظریه‌ها و فرضیاتی است که بر پایه داده‌ها، حاصل می‌شود. هر علمی تکمیل‌کننده نظریات قبلی است و این تکامل آنقدر ادامه پیدا می‌کند که علم به تئوری جهانشمول و قاطعی می‌رسد که توان تبیین و تشریح همه پدیده‌ها را خواهد داشت. مدیریت آموزشی مبتنی بر تیلوریسم به دنبال نظریه‌های عام و جهانشمول بوده و معرفت‌شناسی این نظریه، به علم نگاه خطی دارد. این نگاه خطی با توجه به اینکه معرفت و دانش از بالا به پایین جریان می‌یابد به معلمین و دانش‌آموزان منتقل می‌شود.

۵. هر عملی در سازمان باید پشتوانه علمی داشته باشد، مدیریت در سازمان آموزشی باید برای هر قسمت کاری که یک نفر در سازمان انجام می‌دهد، یک پشتوانه علمی فراهم سازد. باید معلمین به صورت علمی آموزش ببینند و نکته قابل تأمل آن است که این کار را مدیر آموزشی در رأس هرم آموزشی انجام می‌دهد نه اینکه خود اعضاء کارشان را انتخاب کنند و خودشان آموزش دهند، لذا به معلمین و شاگردان القاء می‌شود که در کسب معرفت علمی به فرایندها، و روابط حاکم بر اجزای هر پدیده، تأکید کمی داشته باشند. کسب تمامی

اطلاعات ریز و دقیق، غایت مطلوب هر مدیر آموزشی جزءنگر و تیلوری است. این مسئله نقطه مقابل مدیریت نظام‌گرا محسوب می‌شود که تأکید بر شناخت روابط حاکم بر اجزاء پدیده‌ها دارد.

**۶. کارکرد اصلی علم، تبیین پدیده‌ها و قدرت پیش‌بینی است.** بر مبنای معرفت‌شناسی این نظریه، اگر علمی این قدرت پیش‌بینی را نداشته باشد، اساساً علمی بودن آن زیر سؤال می‌رود، علوم حتماً به قطعیت و حتمیت خواهند رسید. به شاگردان و معلمین القاء می‌شود که با کار و تحقیق و مطالعه بیشتر، روزی یک نظریه جامع و کامل شکل خواهد گرفت که تمام پدیده‌های موجود را تشریح و توصیف خواهد کرد (منظور یک نظریه کلی است که همه علوم اعم از فیزیک و شیمی و ... را تبیین کند). پس از منظر این نظریه، کاربردی کردن دانش دارای اهمیت زیادی است. لذا باید دانش نظری را در عمل به خدمت گرفت، زیرا دانش کاربردی اولویت داشته و در عین حال یکی از روشهای صرفه‌جویی در زمان نیز محسوب می‌شود.

در همین ارتباط چون اهداف درسی در چنین سیستمی در سطح مشخص و قالبی از فهم دانش‌آموزان تعیین می‌گردند، امتحان نیز در سطح ارزیابی اطلاعات و معلومات محدود خواهد شد لذا در ارزشیابی تحصیلی سئوالاتی تنظیم خواهد شد که متناسب با اهمیت میزان‌های اهداف درسی تهیه شوند (سلانود، ۲۰۰۴). این مسأله دقیقاً مرتبط با این دیدگاه تیلور می‌باشد که معتقد است:

۱. برای هر کاری که فرد انجام می‌دهد علم خاصی را در نظر بگیرید.
۲. فرد را بصورت علمی انتخاب کنید، سپس او را تحت آموزش قرار دهید.
۳. اطمینان حاصل نمایید که همه کارها با روش علمی پیش می‌روند (رابینز، ۱۳۱۵).

رتال جامع علوم انسانی  
نمودار شماره ۱

انگاره‌های کلی معرفت‌شناسی تیلوریسم

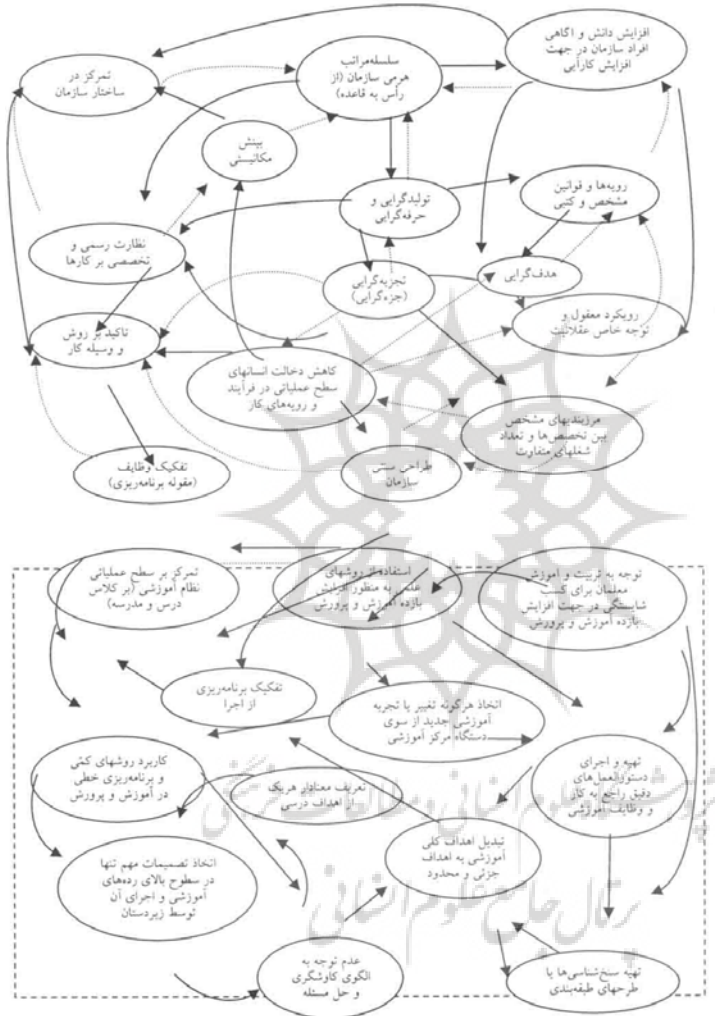


پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

- مهندسی انسانی یکی از مفاهیم مورد تأکید تیئور بود و منظور او از این اصطلاح مطالعه زمان، حرکت و عمل به شیوه علمی در محیط کار بود.

نمودار شماره ۲

اثرات سازمانی تیوریسم بر عملکرد مدیران آموزشی



مدیریت عمومی مبتنی بر تیوریسم

عملکرد مدیریت آموزشی مبتنی بر تیوریسم

کالاها (۱۹۶۲) در خصوص چگونگی تأثیر تیلوریسم بر مدارس آمریکا بررسی‌هایی انجام داد و در بسیاری از کتابهایش ایده‌های تیلور در مدیریت آموزشی را ارزیابی کرد. در بخش مهندسی انسانی که پایه و اساس معرفت علمی تیلوریسم را تشکیل می‌دهد، مدیریت آموزشی مبتنی بر این نظریه در پی آن است که فعالیتها استاندارد شوند تا بتوان با مقیاسهای معینی آنها را ارزیابی کرد (کالاها، ۱۹۶۲)، لذا فعالیت معلمین در کلاس، زمانی علمی و مبتنی بر دانش تخصصی است که وقت‌های تلف شده در محیط آموزش به حداقل زمان ممکن برسد. به‌عنوان نمونه در فعالیتهای برنامه‌ریزی درسی در بخش ارزشیابی از فعالیتهای دانش‌آموزان، تأکید زیادی بر نتایج تست‌های استاندارد شده می‌شود. در این سیستم مدیریتی، در سازمان آموزشی به شاگردان یاد داده می‌شود که چگونه تست‌های بیشتری بزنند بدون اینکه به این مسئله مهم توجه شود که آیا کسب این اطلاعات در بیرون از موقعیت تست، خارج از موقعیت امتحان، کاربردی دارد یا خیر (رس، ۲۰۰۱).

به اعتقاد تیلور مسئولیت اصلی اجرای مهندسی انسانی و اعمال تخصص در حوزه دانش و معرفت در یک سازمان آموزشی، بر عهده مدیر آن سازمان است. مدیر آموزشی است که باید معلمین را آموزش دهد که به مؤثرترین روش انجام وظیفه کنند و این کار به روش علمی صورت می‌گیرد. مسائل مهم در حوزه مدیریت آموزشی به عبارتی معرفت و دانش در نظریه تیلوریسم، منبع اصلی «اختیارات سازمانی» است، اختیاراتی که سیر نزولی تصمیم‌گیری در آن مشهود است و مسیر فکری خطی تیلوری نیز در آن مشهود است و خلاء نظام تعاملی<sup>۷۵</sup> (که در آن ارتباط متقابل وجود دارد)، به روشنی احساس می‌شود. نکته جالب آن است که علی‌رغم نقش بارزی که تیلور برای مدیران سازمانها قائل است، شیوه برخورد او با آنها نیز به نوعی شبیه کارگران (معلمان) است «تیلور کارگران را به‌عنوان ماشین‌های الکترونیکی تلقی می‌کرد و می‌گفت، هر کارفرما در حکم یک ماشین خوب روغن کاری شده است که در مواقع نیاز می‌تواند تعویض شود» (دسلر، ۲۰۰۱).



[هویت معرفت] در دیدگاه مدیریت علمی بدون تردید با پاداش مادی و سعی انسان در به حداکثر رساندن این پاداش‌ها به عنوان مبنای تصمیم‌گیری عقلانی مشخص می‌شود (مدنی، ۱۳۸۵: ۶۳).

مدل کاری تیلوریسم که کار را به منظور افزایش بهره‌وری آن تقسیم‌بندی می‌کرد، هم اکنون به عنوان یک مانع بزرگ برای کارهای مدرن که نیازمند واکنش سریع در برابر تغییرات محیطی هستند، مطرح می‌شود. این روش که فقط یک راه بهترین برای اجرای عملیات در سازمان وجود دارد و اینکه سازمانها و انسانهای شاغل در آن مثل ماشینی هستند که فقط از قوانین خطی علت و معلول تبعیت می‌کنند، امروزه با این ایده جایگزین شده است که سازمان به عنوان یک شبکه اجتماعی در حال حرکت مداوم قلمداد شود و خود را با تغییرات محیطی وفق دهد (کهلر، ۱۹۹۵).

بهترین مدیریت برای سازمان (سازمان آموزشی) فراهم آوردن یک معرفت حقیقی است به‌گونه‌ای که به قوانین، اصول شفاف و معین علمی به‌عنوان یک مبنا توجه داشته باشد، لذا دانش سلسله‌مراتبی باتوجه به ساختار سازمانی تبدیل به دانش عینی می‌شود یعنی باتوجه به اصل وحدت فرمان و ساختار متمرکز تصمیم‌گیری، این افراد شاغل در مراتب بالای سازمان رسمی هستند که صلاحیت آموزش و انتقال دانش و معرفت را دارند، لذا آنها عهده‌دار این وظیفه می‌شوند ولی نتایج این فرایند تحقق یافته که می‌تواند به‌صورت آموزشهای رسمی و غیررسمی باشد، در سطح عملیاتی سازمان آموزشی است و تبلور عینی دانش منتقل شده از سطوح بالای سازمانی به قاعده هرم و تبدیل دانش نظری به دانش عملی و تجربی مشهود است.

این نکته در واقع همان تاکید تیلور بر این نکته اساسی است که تولید علم از بالا به پایین صورت می‌گیرد، عده‌ای پول می‌گیرند که فکر کنند و عده‌ای هم پول می‌گیرند که کار یدی و فیزیکی انجام دهند لذا تولید علم توسط مدیران در بالاترین سطح صورت گرفته و در سطح کاربرد برای اجرا به قاعده ساختار سازمانی منتقل می‌شود.

## نتیجه گیری

نظریه تیلوریسم که به نوعی اولین نظریه مدون در زمینه علم مدیریت محسوب می‌شود دارای مبانی و ریشه‌های فلسفی است. نوع نگاه این نظریه به دانش و معرفت انسانی حاکی از نوع جهان‌بینی خاصی است که همانند چتری فلسفی بر آن سایه افکنده است. تیلور معتقد است که تولید علم وظیفه افراد خاصی است. به اعتقاد وی تعداد کمی از کارگران از لحاظ استعداد و توانایی فکری می‌توانند در پیشرفت علوم مؤثر باشند، ولی در چگونگی تکوین آن، نمی‌توانند موفق باشند. از منظر این تئوری که عمدتاً با پوزیتیویسم همخوانی دارد، فرد مسئول دانش و معرفت خویش است، اما این معرفت به نوعی از بیرون به او تحمیل می‌گردد به عبارت دیگر از محتوای آگاهی و نه احساسات او به‌عنوان محصول تجربه، تشکیل می‌شود. موقعیت‌های انسانی صرفاً از عناصر عقلانی تشکیل می‌شوند، اعتبار معرفت را ارزش و معنی آن برای فرد تعیین می‌کند، شناخت و معرفت از بیرون به او تحمیل و هر معرفتی از دریچه نگاه فرد نسبت به کارایی سازمانی تفسیر می‌شود. معرفت‌شناسی تیلوریسم تأثیرپذیرفته هستی‌شناسی، انسان‌شناسی و دیدگاه این نظریه نسبت به ارزشهاست. تیلوریسم اساساً مبنای کاپیتالیستی دارد.

این برابند با پژوهش ماتسون و ایوانویچ (۱۹۸۹) که مدیریت علمی را متمرکز بر روابط نیروی انسانی و ماشین می‌دانستند و رویکرد کارایی سازمانی را اولویت می‌دادند سازگاری دارد. وظیفه مدیریت در این دیدگاه، طراحی و کشف الگوها و روشهایی است که هرچه بیشتر تولید را افزون کند، لذا حصول نتیجه از چنین برابندی، مستلزم سرمایه‌گذاری در کسب معرفت و دانش است. تیلوریسم معنای دانش و الگوهای خلق و بکارگیری آن را این‌گونه فهمیده است که سازمان وسیله‌ای است برای پردازش اطلاعات، بنابراین تنها دانش مفید، دانش رسمی یا سیستماتیک است (مادور، ۱۹۹۰).

این استدلال منتج از نتایج تحقیق حاضر با پژوهش زاهدی و همکاران (۱۳۸۰) که کشف دانش و معرفت را از طریق تجربه و آزمایش مستقیم عملی می‌داند همخوانی دارد. پیامدهای معرفت‌شناسی تیلوریسم در مدیریت آموزشی را می‌توان در یک جمع‌بندی کلی به شرح زیر طبقه‌بندی نمود:

۱. این نگرش تقویت‌کننده روحیه فردگرایی در مدیریت آموزشی است.
۲. نگرش تیلوری در سازمان و مدیریت آموزش و پرورش، تفکر رقابتی مبتنی بر کارایی و بهره‌وری بالا را موجب می‌شود.
۳. این دیدگاه فاصله مدیران را از معلمین و شاگردان زیاد می‌کند، زیرا فقط مدیران حق تصمیم‌گیری دارند و اعضای سطح عملیاتی فقط اجراکننده برنامه‌ها و تصمیمات هستند. در این رابطه تحقیق سرتو (۱۹۹۴) نیز که معرفت‌شناسی تیلوری را با ملاحظات خاص با کارایی تولید عجین شده می‌داند و دیدگاه «مونیستی» تیلوری را در مبنای معرفت‌شناسی دخیل می‌داند با نتایج پژوهش حاضر همخوانی دارد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## منابع فارسی

- ۱- اقتداری، علی محمد (۱۳۷۲)، سازمان و مدیریت، سیستم و رفتار سازمانی، تهران: نشر مولوی
- ۲- الوانی، مهدی، (۱۳۸۵) مدیریت عمومی، تهران، نشر نی
- ۳- تیلور، فردریک وینسلو (۱۹۱۱)، اصول مدیریت علمی، ترجمه طوسی، محمد علی (۱۳۷۵)، تهران، مرکز آموزش مدیریت علمی.
- ۴- رابینز، استیفن (۱۳۸۵) رفتار سازمانی (ترجمه، پارسائیان، علی و اعرابی سیدمحمد) تهران، انتشارات دفتر پژوهش‌های فرهنگی
- ۵- رضائیان، علی (۱۳۸۴) اصول مدیریت، تهران، سمت
- ۶- زاهدی، شمس‌السادات، نجات بخش، علی، آقایی معصومه (۱۳۸۰). نظام مهندسی و ارزشهای اسلامی مجله پیام نظام مهندسی، تهران. شماره ۲۰
- ۷- زیباکلام، سعید (۱۳۸۱)، پیوند نامبارک بوزیتویسم و اندیشه سیاسی، فصلنامه حوزه و دانشگاه، شماره ۳۰، سال هشتم.
- ۸- علاقه‌بند، علی (۱۳۸۰)، اصول مدیریت آموزشی، تهران: دانشگاه پیام‌نور.
- ۹- قاسم‌خانی‌هزاوه، سیمین (۱۳۸۳) حرکت از تیلوریسم به فراتیلوریسم، تهران مدیریت فردا شماره ۵-۶
- ۱۰- کیا، منوچهر (۱۳۵۹)، پژوهش علمی در مدیریت، نشریه اداره کل ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران، تهران.
- ۱۱- گوتک، جرال لى (۱۹۸۲)، مکاتب فلسفی و آراء تربیتی، ترجمه محمدجعفر پاک‌سرشت، (۱۳۸۰)، تهران: انتشارات سمت.
- ۱۲- مدنی، داود (۱۳۸۵) نظریه‌های سازمان و مدیریت، انتشارات پیام نور
- ۱۳- میرسپاسی، ناصر (۱۳۸۱)، مدیریت استراتژیک منابع انسانی و روابط کار، تهران، انتشارات میر.

## منابع انگلیسی

- 1- Certo, samouel. C (1994) *Modern management: Diversity, quality, Ethics and Global Enviroment*, Ally and Bacon
- 2.Dessler, Garry (2001) "Management: Learning people and organization in the 21 century".
3. Halsal Paul (1998). *Modero history sourcebook. Fredrich W. Tahlor: the principles of scientific management.*
4. Kahler, helge (1995) "From taylorism to taylorability" *Supporting organizations with taylorable software and from taylorism to taylorbility*, page 2-6 [www. Helge – kahler](http://www.Helge-kahler).
5. *Management elssics. Good year publishing Co. santa monica, California.*
6. Mattson, Michael, IVanvich, John (1989).
7. Nelson, Daniel (2004), "Taylorism 2 what's the [www/ rtb, home. Tezas. Net/ Taylor](http://www/rtb.home.Texas.Net/Taylor).
- 8.Nonaka, L and Takeuchi, H (1995) "The Knowledge creating compay: How Japanese Companies creat the Dynamics of Inovation", New York: Oxford university press
9. Rees, Janathan (2001), "Feredrik Taylor in the classroom" *standard Testing and scientific Management" Department of History, university of southern Colorado, Radical pedagogy.*
10. Sedunov, Boris (2004), "Connecting the Dost in Distance learning, story 2 connecting Hybrid intellect from Moscow to the world", Deputy Rector of the Moscow state institue of Business A dministration.
- 11.Taylor, Feredrich winstlow (1911) "The scientific Management" *past presidento of American society of Mechanical Engineers Harper a Broters publishers New York and London.*

سایت‌های اینترنتی

1-[www. Creativity.ir](http://www.Creativity.ir)

2-[crypticuniverse. Blogspot. com](http://crypticuniverse.blogspot.com)